



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



محمد صالح گردش

۲۰۲۱/۰۴/۱۹

مکتی و درنگی بر متن کتیبه یمما

کتیبه یمی به یادبود یمما با چند کتیبه دیگر به دیوار جنوبی لیسه سلطان غیاث الدین زیر عنوان آبدۀ فرهیختگان در شهر مزار شریف مدت تقریباً دو دهه می شود که بر پا گردیده و به منظر دید و تماشای رهگذران قرار دارد.

در متن کتیبه مذکور اینکه عشایر آریایی از شمال با گذر از دریای آمو در ساحات جنوبی جابه جا گردیده اند، باوجودی که حرف و سخن هایی دارم، حرفی نمی زنم، اما اداره و نگارنده ی این متن وقتی بدون تردد و با اطمینان می نگارد که در حدود ۳۷۰۰ سال پیش از میلاد، ویونگهان با عشایر آریایی از رود آمو گذشته و در بلخ جابجا گردیده، و هم این که در روز اول حمل ۳۶۷۹ پیش از میلاد جمشید تاج شاهی را در بلخ بر سر گذاشته است، قابل پرسش است که این تواریخ باساس کدام اصول و اسناد مستند نگاشته شده اند؟ همچنان به کدام دلیل و اسنادی رود داییتیا، رود آمو بوده می تواند؟ و بنا به ادعایی که من بر پایه اصل تحقیق دریافتم شده است، رود داییتیا، رود کنرها و رود ارنگ، رود آمویه ی دوران اوستایی و نیز پهلوی بوده اند. ر.ک: به مقالات (وه رود و زادگاه زردشت، شماره ۲۸۹۰۵ و سرچشمه رود ارنگ... شماره ۲۹۱۰۲ پورتال افغان جرمن همین قلم) طوریکه در کتیبه مذکور درج گردیده است واژه پره دات یا پره ذات که پیشداد یا پیش زاد خواهد بود، به روی کدام اصل زبان شناسی آن واژه پره دادیک نوشته شده است و مقصد نویسندگان این متن از واژه ترکیبی من درآورد شان (پره دادیک) چه خواهد بود؟ اگر به قسم توجیهی و غیر مستقیم مقصود نویسندگان متن از این واژه ربط دادن آن به شکل اشاری، مرموز و مبهم با واژه تاجیک بوده باشد، باید یاد آور گردید که روی کدام اصل و اصولی حرف "د" به "ج" ابدال می گردد؟ که البته این موضوع قابل بحث و توضیح می باشد.

این موضوع نیز قابل یاد آوری است که کوه هرابرزیتی در اوستا کوه نسبتاً کوچک البرز واقع در جنوب شهر های بلخ و مزار شریف نخواهد بود و طوری که از مطالب اوستا و توضیحات کتب پهلوی بر می آید، هرابرزیتی کوه های بلند بابا و هندوکش که سرچشمه رود های بزرگ است، می باشد. ر.ک (وجه تسمیه هندوکش. مقاله ۲۸۲۹۸ پورتال افغان-جرمن. همین قلم) اینکۀ رشتن و بافتن و ساختن جنگ افزار که البته کار یک انسان در طول تاریخ نمی تواند باشد، ولی در متن افتخار آن به یمما نسبت داده شده است کاری ندارم، و هم اینکه یمما سر سلسله پیشدادیان بوده است نیز حرف و سخنی در میان نیست. مگر وقتی سلاله (فرزندان) وی پیشدادی، و بعد با واژه من درآورد پره دادیک ربط داده می شود و وی سرآغاز نسل و تبار دادیکان قلمداد می گردد قابل پرسش و توضیح می گردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

ناگفته نماند که دهگان اسم دیگر پشه بیان مردم کنرهاست که از لحاظ تباری و هویتی ممکن است با پره دات (پیشداد یا پیشزاد) پیوند خواهند داشت ولی دهگانان با دادیکان چندان نسبت ندارند زیرا دهگانان بر علاوه اینکه به زبان پشه یی و پشتو سخن می زنند، از لحاظ شکل و قیافه نیز با دادیکان پیوند ندارند و دهگانان بیشتر مردم دارای جلد سفید و چشمان آبی اند.

و این است متن کتیبه یما در آبدۀ فرهیختگان شهر مزار شریف:

یما شهنشاه بزرگ پیشدادی بلخ

و بنیاد گذار جشن نوروز (۳۶۷۹) پیش از میلاد مسیح

در حدود ۳۷۰۰ سال پیش از میلاد ، عشایر آریایی به رهبری ویونگهان برای ساختمان شهر و بود و باش دایمی خود، کرانه جنوبی رود دایتیا (آمو) تا دامنه کوه هرابریتی (البرز) را برگزیدند. پس از تکمیل ساختمان شهر بخدی (بلخ) در هر مزدروز یا روز اول حمل (فروردین) ۳۶۷۹ پیش از میلاد، بیمه-یما- جم فرزند ویونگهان تاج درخشان شهنشاهی آریانا را در بلخ بر سر نهاد و به یمای درخشان یا جمشید ملقب شد و آن روز را به نام نوروز جشن گرفت. جمشید بزرگترین شهنشاه «پرده دادیک» یا پیشدادی بلخ است که شهر سازی، رشتن و بافتن، ساختن جنگ ابزار و گردونه را پدید آورد و تمدن آریایی را بنا گذاشت. به جهت قانونگذاری و عدالت گستری، یما و دیگر فرمانروایان سلاله وی، «پره دادیک» یا پیشدادی نامیده اند که سرآغاز تبار دادیکان ، دهگانیان یا آزادگانند.